

چالش‌های سیاسی و مذهبی ایوبیان و تشیع با تأکید بر پیامدهای فکری و اجتماعی

سید ابوالحسن نواب*

[تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۳۰]

چکیده

با مرگ «العاصد لدین الله»، آخرین خلیفه فاطمی در سال ۵۶۷ق، صلاح‌الدین ایوبی با اعلام پایان خلافت فاطمیان، مصر را قلمرو عباسیان خواند و فرمان داد در قاهره به نام خلیفه عباسی، مستضیء (۵۶۶-۵۷۵ق)، خطبه بخوانند. از آن پس، مصر وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد. تشیع جای خود را به تسنن داد، حکومت از فاطمیان به ایوبیان رسید و دانشگاه الأزهر جای خود را به مکتب‌خانه‌های شافعی و مالکی بخشید. ایوبیان بر توده‌های شیعی سخت گرفتند و برای نابودی کامل مذهب شیعه در این منطقه دست به اقدامات جامعی زدند. سلسله ایوبیان را در مصر بنا نهادند که در اثر آن، اسماعیلیان حافظی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و بسیاری به قتل رسیدند. در این دوران شیعیان دوران سختی را تجربه کردند و با تحولات سیاسی و فکری مختلفی روبه‌رو شدند. این نوشتار درصدد تحلیل این دوره است.

کلیدواژه‌ها: ایوبیان، تشیع، چالش‌های سیاسی و مذهبی، پیامدهای فکری و اجتماعی.

مقدمه

با فروپاشی فاطمیان و ظهور ایوبیان، فشار بر میراث شیعی به اوج خود رسید. کتب اسماعیلیان کتب ضاله قلمداد و نابود شدند، قدرت ظاهری فاطمیان به تاریخ پیوست و جز نام و نشانی از آنان باقی نماند. امروزه از آن حکومت بزرگ فقط دو فرقه جدا شده از فاطمیان، یعنی نزاریان و طیبیان، باقی مانده که در ایران، یمن و هند به راه خود ادامه داده‌اند (طقوش، ۱۳۸۰: ۳۸). ایوبیان با مرگ آخرین خلیفه فاطمی، العاضد لدین الله در سال ۵۶۷ق، در مصر به حکومت رسیدند و با قتل توران شاه در سال ۶۴۸ق/۱۲۵۰م به دست ممالیک پدرش، دوران حکومتشان در مصر به پایان رسید. در دوران حکومت و قدرت ایوبیان شیعیان با چالش‌ها و سختی‌های متعددی روبه‌رو بودند. برای آشنایی بیشتر با این دوران لازم است مختصری درباره اوضاع پیش از آن بدانیم.

یک ربع قرن پیش از سقوط فاطمیان، مصر شاهد بحران‌های اقتصادی متعددی بود. بخشی از این بحران‌ها از سوء تدبیر اقتصادی و دست‌اندازی وزیران بر اموال دولتی بود و بخشی دیگر از علل طبیعی مرتبط با کاهش یا افزایش آب نیل — که اختلال در تولید، گرسنگی و شیوع وبا را در پی داشت — نشئت می‌گرفت. این بحران‌ها در کنار مشکلات داخلی، ناشی از درگیری و رقابت وزیران بر سر قدرت بود که به یاری طلبیدن از نیروی خارجی و ضعف خلیفه فاطمی منجر می‌شد.

اقدام شاور اسدی، وزیر فاطمی، در استمداد از نورالدین محمود در سال ۵۵۹ق/۱۱۶۴م برای طرد صلیبی‌ها از مصر، نشانه پایان دولت فاطمی بود. نورالدین محمود اهمیت تصرف مصر را از دو جنبه سیاسی و اقتصادی درک کرد.

به علت تغییر بنیادی سیاست خارجی صلیبی‌ها، دوران آموری اول را باید آغاز مرحله‌ای جدید در نبرد آنان با مسلمانان تلقی کرد؛ تغییری سیاسی که علت سیاسی و اقتصادی داشت. با پیروزی‌های پی‌درپی نورالدین محمود در شام، آموری با بحران بزرگی مواجه شد که آغاز زوال سلطه صلیبی‌ها بود. از این رو گسترش تصرفاتش به سمت مصر را ضروری دید و سیاست خود را بر حمله به مصر متمرکز کرد. این نبرد اسلامی صلیبی در مصر در سه مرحله در سال‌های ۵۵۸ق/۱۱۶۳م تا ۵۶۴ق/۱۱۶۹م شکل گرفت. این مراحل سه‌گانه که به فرماندهی اسدالدین شیرکوه و همراهی برادرزاده‌اش، صلاح‌الدین، طی شد، سلطه نورالدین محمود زنگی بر مصر، خروج نهایی صلیبی‌ها از

مصر و ورود صلاح‌الدین ایوبی به صحنه سیاسی جهان اسلام را در پی داشت که چالشی جدید برای شیعیان بود.

صلاح‌الدین ایوبی، مؤسس سلسله ایوبیان

با توجه به نقش و تأثیر صلاح‌الدین ایوبی در برهه‌ای از تاریخ تشیع مصر، شناخت صلاح‌الدین ایوبی و آشنایی با شخصیت و روحیات و ویژگی‌های او لازم است. ایوبیان به ایوب بن شادی از ساکنان دوین منسوب‌اند. همه ساکنان این منطقه از کردهای روادی تیره هذبانی‌اند؛ قبیله‌ای از اشراف که سابقه بردگی ندارند (ابن خلکان، ۱۹۷۷: ۱۳۹؛ مقریزی، ۱۳۷۶: ۱۴۸). برخی از ایوبیان در پی انکار نژاد کردی و اثبات نژاد عربی از نسل بنی‌امیه برای خود بوده‌اند و گفته‌اند: «ما از اعراب هستیم که در کنار کردها ساکن شده، با آنها آمیخته‌ایم» (مقریزی، ۱۳۷۷: ۴۰۴-۴۰۵).

صلاح‌الدین یوسف بن ایوب بن شاذی، که بعدها به صلاح‌الدین ایوبی معروف شد، در تکریت و به قولی در کرکوک واقع در کردستان عراق دیده به جهان گشود (معرری سامی، ۱۸۸۱: ۲۹۶۴). از گزارش‌های تاریخی برمی‌آید که او دلبستگی عمیقی به اسب و سلاح داشته است. صلاح‌الدین که شهرتش بیشتر به سبب شرکت در جنگ‌های صلیبی^۱ (۵۳۲ق/۱۱۳۸م) است، در بین مسلمانان به «الملک الناصر» ملقب شده است. او علاوه بر فتوحات در برابر مسیحیان، به خوبی از مرزهای مسلمانان در مقابل مسیحیان حفاظت کرد. بیشتر مسلمانان صلاح‌الدین ایوبی را مبارز و مجاهدی می‌دانند که توانست با آزاد کردن بیت‌المقدس از دست صلیبیان، اقتدار و افتخاری ویژه برای خود و جهان اسلام کسب کند و اسباب محبوبیت خود را فراهم سازد.

در بیشتر منابع تاریخی نیز به سیاست خارجی صلاح‌الدین توجه شده و از سیاست داخلی وی، به خصوص نحوه تعامل و برخورد با مسلمانان و شیعیان به طور خاص، غفلت شده است؛ فقط برخی تاریخ‌نگاران به طور گذرا و در لابه‌لای آثارشان درباره برخی مناسبات وی با شیعه قلم زده‌اند. هرچند تلاش‌های او در جنگ با صلیبیان درخور تقدیر و تحسین است، تعصب شدیدش به مذهب تسنن و دشمنی‌اش با شیعیان و مذهب تشیع، از نقاط منفی و غیر قابل قبول زندگی او است. وی پس از استیلا بر مصر با فاطمیان با خشونت تمام برخورد کرد و بعد از عزل دولت فاطمی، اقوام خود را

یک شبه جایگزین آنان کرد. صلاح‌الدین پس از گذران یک بیماری طولانی، در سال ۵۸۹ق درگذشت (فلیپ، ۱۹۵۹: ۱۸۷).

صلاح‌الدین ایوبی در مصر

صلاح‌الدین ایوبی با ورود به دستگاه خلافت فاطمی، تضعیف سازمان‌های دینی و شیعی را آغاز کرد و با تعصب خاصی که داشت به تقویت آیین اهل سنت همت گمارد. وی با اینکه در میان سردمداران حکومتی نفوذی نداشت (مقریزی، ۱۳۸۰: ۳۰۸)، توانست با تکیه بر توانایی‌های شخصی‌اش پله‌های ترقی را بپیماید.

پس از انقراض خلافت فاطمی، چالش‌های مذهبی و سیاسی بین اهل سنت (به رهبری صلاح‌الدین) و شیعه (به‌خصوص اسماعیلیه) در مصر قوت گرفت. نتیجه این درگیری به انزوا و حاشیه رفتن شیعه و تفکر شیعی و تسلط عباسیان و اهل سنت بر آن منطقه از سرزمین اسلامی بود که تا امروز نیز ادامه دارد.

صلاح‌الدین امور را به سود خویش و زیان عاضد پیش می‌برد. وی با نابود کردن مال و ثروت عاضد و تصرف برخی از آنها، موقعیت وی را تضعیف و موقعیت خود را تقویت کرد. صلاح‌الدین غلات کمی برای مردم در نظر می‌گرفت و آنان را تحت فشار قرار می‌داد. وی امور را مستبدانه پیش می‌برد و عاضد را از دخالت در کارها بازمی‌داشت تا اینکه به تدریج حکمرانان منصوب فاطمیان را عزل و یاران و نزدیکان خود را به حکمرانی منصوب کرد. صلاح‌الدین سرانجام ضربه نهایی را بر پیکر فاطمیان وارد کرد و یک‌شبه تمام افراد صاحب منصب به جا مانده از فاطمیان را عزل و دستگیر کرد و یاران خود را به جای آنان نشانده. به این ترتیب، صلاح‌الدین و یارانش حکومت را به دست گرفتند. کاخ‌ها را تصرف کردند و زمام امور را به بهاء‌الدین قراقوش اسدی سپردند. در این زمان، سرزمین مصر ترس، شکنجه، آزار و شیونی فراموش‌نشدنی را به خود دید. خلیفه عاضد فاطمی دستگیر و روانه زندان شد. عبارت «حی علی خیر العمل» در اذان قذغن شد. نشان حکومت فاطمیان از میان رفت و به نام خلیفه عباسی حاکم در بغداد خطبه خوانده شد.

با مرگ آخرین خلیفه فاطمی، العاضد لدین الله در سال ۵۶۷ق، صلاح‌الدین ایوبی به قدرت کامل رسید و سلسله ایوبیان را در مصر شکل داد. از آن پس مصر وارد مرحله

جدیدی از تاریخ خود شد. حکومت از فاطمیان به ایوبیان رسید. ایوبیان شیعیان را به گناه ناکرده فاطمیان مجازات کردند. صلاح‌الدین ایوبی برای نابودی کامل مذهب شیعه در این منطقه دست به اقدامات زیادی زد؛ همه قضات شیعه را معزول کرد و قضاوت و داوری را به صدرالدین عبدالملک شافعی داد؛ مدرسه‌هایی را برای فقهای شافعی و مالکی ایجاد کرد و مواجبی را برای طالبان آنها در نظر گرفت (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۱۳۷).

سیاست‌های صلاح‌الدین در براندازی فاطمیان

وقایع پس از وزارت صلاح‌الدین در مصر بیانگر گذار تاریخی این کشور بود. هنوز دولت فاطمی به پشتوانه نظامیان و دولتمردان پابرجا بود و خطر صلیبی‌ها در نزدیکی دروازه‌های شرقی مصر دولت را آزار می‌داد؛ بنابراین تثبیت مواضع حکومتی ضرورت داشت. صلاح‌الدین در مدتی کوتاه نشان داد که در اداره دولت بسیار شایسته است. او با راهکارهایی چون دلجویی از مصریان با بخشش اموال، مطیع کردن غلامان اسدالدین شیرکوه و غلبه کامل بر سپاه، تقویت مرکزیت سپاه با کمک‌های نظامی نورالدین محمود - که در این رهگذر توران شاه، برادر صلاح‌الدین، با نیروی نظامی به او پیوست - تمام اختیارات (حتی اختیارات خلیفه) را به خود اختصاص داد (ابن‌واصل، ۱۳۸۲: ۱۷۴). تداویر صلاح‌الدین برای تقویت سیطره خود بر دولت و به حاشیه بردن خلیفه فاطمی، به شورش مؤتمن الخلافه، فرمانده نظامیان سودان و بزرگ خواجهگان دربار،^۲ انجامید که صلاح‌الدین توانست این غائله را نیز به سود خود خاتمه دهد (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۳۴۵-۳۴۶).

ساماندهی امور اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی مردم یکی دیگر از اقدامات صلاح‌الدین بود که حمایت مردم از حکومت وی را در پی داشت. صلاح‌الدین در زمان وزارتش شرایط اقتصادی نسبتاً خوبی برای مردم فراهم کرد و از این راه توانست به هدف خود، یعنی شکست حکومت و مذهب شیعیان فاطمی در مصر، برسد.

در رفتار تند ایوبیان با فاطمیان و شیعیان علاوه بر تعصب مذهبی، انگیزه‌های سیاسی نیز دخالت مستقیم داشت؛ زیرا شیعیان در آن دوره تاریخی دارای قدرت سیاسی و اجتماعی قابل توجهی در جامعه مصر بودند. صلاح‌الدین ایوبی برای استقرار قدرت سیاسی خویش در جامعه مصر، سخت‌گیری علیه شیعیان و حذف آنان از صحنه سیاسی و اجتماعی را ضروری می‌دانست. فرمان وی برای پیروی و اطاعت تمام

مصریان از دو مذهب شافعی و مالکی و تأسیس و تقویت مدارس شافعی و مالکی از مهم‌ترین اقدامات او برای استیلا بر جامعه مصر بود. او با برخی اقدامات نظامی و فرهنگی، بهره‌گیری از حمایت علما و نیز تأسیس و تقویت مدارس علمیه اهل تسنن، به این مقاصد راه یافت. وی هرچند در زدودن مذهب تشیع (اسماعیلیه) به موفقیت‌های زیادی دست یافت، نتوانست به طور کامل تشیع را در مصر از بین ببرد.

صلاح‌الدین در مواقع ضروری از اقدام فیزیکی و نظامی نیز برای از بین بردن شیعیان و عقایدشان استفاده می‌کرد؛ اما به سبب سیاست زیرکانه‌اش در براندازی مذهب تشیع در مصر، آرام حرکت می‌کرد. او که عاشق قدرت بود، هرگز دوست نداشت در راه رسیدن به شوکت و قدرت ناکام بماند. جلب رضایت خلافت عباسی و تعصب مذهبی صلاح‌الدین از دلایل اصلی فعالیت‌های وی برای براندازی تشیع مصر به حساب می‌آید.

زمینه‌سازی برای تغییر مذهب

صلاح‌الدین پس از استقرار در جایگاه وزارت، موضعی مستقل از زنگی‌ها گرفت و برای تغییر بنیادین در تمام حوزه‌ها خود را آماده کرد. مأموریت اصلی او برخورد با مشکلات ناشی از شورش‌های پایتخت بود. وجود وزیری سنی در دربار خلیفه اسماعیلی فاطمی مسئله‌ای جدید نبود؛ از حدود یک قرن پیش و در مقاطع مختلف، وزیران سنی مذهب در دولت خدمت می‌کردند. قیام نورالدین محمود با پرچم خلافت عباسی و متحد ساختن مصر و شام در برابر صلیبی‌ها، نورالدین محمود و به تبع او صلاح‌الدین را به برافراشتن رایت عباسی در مصر ملتزم می‌کرد؛ اما با وجود اصرار نورالدین محمود و سرزنش‌های خلیفه عباسی، صلاح‌الدین برای پیش‌گیری از واکنش سریع مردم مصر، در پی بسترسازی و زمینه‌چینی مناسب برای تغییر مذهب بود. صلاح‌الدین برای تثبیت قدرتش در مصر امور نظامی، اقتصادی و دینی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که در صورت سقوط خلافت فاطمی، از ناحیه خلیفه آسیبی نبیند.

خطر اصلی نظامی از ناحیه سپاه مصر، متشکل از سواره نظام و پیاده نظام سفید و سیاه بود. صلاح‌الدین به سرعت گروه جدید «صلاحیه» را از سربازان مصری الاصل، نظامیان اسدالدین شیرکوه و مملوکان ترک تشکیل داد و با حمایت آنان توانست

شورش سپاهیان را سرکوب و آنان را به منطقه صعید تبعید کند. صلاح‌الدین در امور دینی نیز از اواخر ۵۶۵ق/۱۱۷۰م به تضعیف سازمان‌های دینی فاطمی و اسماعیلی و تقویت آیین اهل سنت اقدام کرد. او نظارت بر امور قضا و دعوت را عهده‌دار شد، در ۱۰ ذی‌الحجه ۵۶۵ق/ ۲۵ آگوست ۱۱۷۰م عبارت «حی علی خیر العمل» را از اذان حذف کرد، دستور داد تا در خطبه جمعه نام خلفای راشدین برده شود و بار دیگر تشکیک در نسب فاطمیان را مطرح کرد. صلاح‌الدین در زمینه اقتصادی پدرش را مسئول خزانه دولتی کرد (ابن‌شداد، ۱۹۹۴: ۸۵؛ مقریزی، ۱۳۸۰: ۴۰۵) و با لغو مالیات‌های رایج مصر و قاهره که بر اساس آن، دولت فاطمی سالانه ۲۰۰ هزار دینار می‌گرفت، و نیز آزاد کردن بازرگانی، مصری‌ها را به خود متمایل کرد (مقریزی، ۱۳۸۰: ۴۰۵؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۴: ۳۴۴/۹). وی در کنار این سیاست، از نظام اقطاع که آن را از زنگی‌ها وام داشت، بهره گرفت و در مقابل اقطاع، مقطع را ملزم کرد که هنگام جنگ به او کمک کند (خلیل، فواد، بی‌تا: ۱۷۴-۱۷۶).

صلاح‌الدین با تغییر مذهبی که ایجاد کرد مجبور شد قضات شیعه را عزل و منصب قضاوت مصر را در جمادی‌الثانی ۵۶۶ق/ مارس ۱۱۷۱م به قاضی صدرالدین عبدالملک بن عیسی بن درباس مارانی شافعی (ابن جوزی، ۱۳۹۸: ۳۴۲-۳۴۳) واگذار کند؛ از آن پس مذهب شافعی در مصر شایع شد. بارزترین مظهر تغییر مذهبی در مصر گسترش نحله اشعری بود که صلاح‌الدین متعصبانه و متأثر از سلجوقیان از آن پیروی می‌کرد. وی با این تغییرات، بر حوزه دینی مسلط شد و با گزینش قاضی فاضل به ریاست دیوان انشا، نظارت بر مکاتبات دولت را نیز متکفل شد (قلقشند، بی‌تا: ۱۳۰-۱۳۱).

به این ترتیب، اهداف صلاح‌الدین در پایان سال ۵۶۶ق/۱۱۷۱م روشن شد. وی که نیتش در براندازی دولت فاطمی روشن بود، به دو علت در این مسیر آرام حرکت کرد: ۱. تغییرات سریع در حالی که از خون‌ریزی پرهیز داشت، به ضرر او و خانواده‌اش تمام می‌شد (عاشور، ۱۹۹۳: ۷۲۲-۷۲۳)؛ ۲. او از تسلیم شدن در برابر تقاضای نورالدین برای قطع فوری خطبه فاطمیان واهمه داشت؛ زیرا این امر او را به جدایی از مصر وامی‌داشت. او از خیزش مردم مصر به علت تمایلشان به علویان ترس و پرهیز داشت؛ زیرا هنوز حرکت‌های شیعی در مصر نیرومند بودند. افزون بر آن، اگرچه صلاح‌الدین، نورالدین را سرور خود می‌دانست، قدرتش را مدیون خلیفه فاطمی بود.

نورالدین محمود آرزو داشت مصر و شام متحد شوند تا از امکانات اقتصادی و انسانی مصر در جهاد با صلیبی‌ها استفاده کند. جدا از اختلاف نظر سیاسی، نورالدین استدلال صلاح‌الدین را رد کرد و در ذی‌الحجه ۵۶۶ق/ آگوست ۱۱۷۱م اخطار نهایی درباره برکناری خلیفه فاطمی، العاضد، و اقامه خطبه به نام خلیفه عباسی، المستصفی بامرالله، را برای او فرستاد و او را به اجرای بی‌چون‌وچرای آن ملزم کرد (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۳۶۴). صلاح‌الدین دو راه بیشتر نداشت: درگیر شدن با نورالدین یا برخورد با خطر قیام شیعیان در مصر. احتمالاً از نظر صلاح‌الدین راه دوم کوتاه‌تر و کم‌هزینه‌تر بود؛ زیرا خلافت فاطمی بعد از غلبه صلاح‌الدین بر نظامیان سپاه ضعیف شده بود (رمضان، ۱۹۹۳: ۷۲۳).

در هفتم محرم ۵۶۷ق/ دهم سپتامبر ۱۱۷۱م برنامه مورد نظر نورالدین با قطع خطبه و ذکر نام خلیفه عباسی عملی شد و پرچم سیاه عباسی به آرامی و بدون درگیری (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۳۶۵) بالا رفت و وحدت مذهبی اسلام به شرق نزدیک بازگشت؛ حاکمیت سیاسی مصر و شام یکپارچه شد و صلاح‌الدین قصر فاطمی و فرزندان خلیفه العاضد را به تصرف خود درآورد.

اقدامات صلاح‌الدین ایوبی در براندازی مذهب شیعه

بنیان‌گذار سلسله ایوبیان یک سنی شافعی متعصب بود و طبعی بود که برای از بین بردن مذاهب رقیب و ترویج مذهبش تلاش کند (شماعی رفاعی، ۱۴۰۴: ۴۵-۶۰). اقدامات او برای از بین بردن تشیع مصر را می‌توان به دو دوره وزارت و حکومت تقسیم کرد.

اقدامات در دوران وزارت

صلاح‌الدین بعد از رسیدن به قدرت کوشش خود را برای از بین بردن مذهب تشیع آغاز کرد. وی در دوران دو ساله وزارتش، با توجه به ضعف و انحطاط دستگاه فاطمی، اقدامات و فعالیت‌های چشم‌گیری جهت تضعیف مذهب تشیع انجام داد. وی ابتدا برای تحکیم نفوذ مردمی، رفاه عمومی را در نظر گرفت و با پیاده کردن نظام اقطاع و سامان دادن به اوضاع اقتصادی مردم، اصلاح وضعیت معیشتی را در پیش گرفت. این اقدام وی مقارن بود با اوضاع نابسامان اقتصادی در اواخر حکومت فاطمیان که مردم مجبور بودند سالانه ۲۰۰ هزار دینار به حکومت مالیات بدهند (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۳۴۴).

از دیگر اقدامات صلاح‌الدین در زمان وزارتش این بود که عبارت «حیّ علی خیر العمل»، که شعاری شیعی بود، را از اذان حذف کرد. وی همچنین دستور داد نام خلفای راشدین در هر خطبه برده شود. او تشکیک در اصل و نسب فاطمیان را دوباره مطرح ساخت (مقریزی، ۱۳۷۷: ۲۷۱-۲۷۲). تغییر قاضیان از دیگر اقدامات او در جهت مبارزه با تفکر تشیع بود. صلاح‌الدین با تغییر قضات سعی داشت مردم را مجبور کند دست از مذهب خویش بردارند و تن به مذهب دیگری (شافعی) بدهند؛ از این رو قاضیان شیعه را عزل کرد و منصب قضاوت در مصر را به قاضی صدرالدین عبدالملک بن عیسی بن مارانی شافعی سپرد (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۳۳۶). تأسیس مدارس علمیه شافعی نیز از دیگر اقدامات او در زمان وزارت بود. گفتنی است که وی به منظور رسیدن به اهداف اصلاحی خود چاره‌ای جز کسب حمایت خلافت عباسی نداشت؛ علاوه بر آن، خلافت عباسی نیز به چنین اصلاحاتی نیاز داشت (طقوش، ۱۳۸۰: ۳۴).

اقدامات در دوران حاکمیت

صلاح‌الدین برای رسیدن به هدفش، بیشتر توجه خود را به انجام کار فرهنگی در این زمینه معطوف داشت تا کار نظامی؛ زیرا هنوز حرکتهای شیعی در مصر نیرومند بودند و تغییرات سریع همراه با خون‌ریزی، واکنش علویان را در پی داشت که به یقین به ضرر وی بود. از این رو در براندازی مذهب تشیع در مصر به جای نظامی‌گری از روش فرهنگی استفاده کرد. او در این مسیر با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد که بعضی از آنها کشمکش‌هایی خونین با مخالفان شیعی را در پی داشتند (قاسم عبده، ۱۹۱۰: ۱۸۹-۱۹۰). وی با اعدام، شکنجه و تبعید رهبران مبارزان سیاسی توانست حرکت انقلابی آنان را متوقف سازد و دوباره بر مخالفان مسلط شود. بنا بر گفته طقوش، جنبش شیعیان برای برگرداندن حاکمیت شیعی ادامه یافت (طقوش، ۱۳۸۰: ۴۳) و صلاح‌الدین برادر خود را مأمور برخورد با شیعیان فاطمی ساخت؛ او نیز توانست مخالفان را به شدت سرکوب کند (ابن‌شداد، ۱۹۴۴: ۹۰). در هر صورت، گفته شده که در سال‌های آغازین حکومت صلاح‌الدین ایوبی، اذیت و آزار شیعیان، به تعبیر آنان روافض، از اقدامات اصلی حاکمان ایوبی بوده است (رحیم‌زاده، ۱۳۳۴: ۱۹۵). در این دوران، تشیع جرمی نابخشودنی به حساب می‌آمد و شیعه در نقش یک مجرم مورد پیگرد قرار می‌گرفت.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی

صلاح‌الدین تلاش کرد با فراهم کردن زمینه فکری و ایدئولوژیک به هدف خود برسد. هنوز حرکت‌های شیعی در مصر نیرومند بودند؛ از این رو وی در براندازی مذهب اسماعیلیان مصر به نظامی‌گری کمتر توجه داشت. او به دلیل جنگ‌های بسیاری که در خارج از مصر داشت، تلاش می‌کرد نیروی نظامی کمتری را در مصر مشغول کند؛ به همین دلیل بیشتر تلاش می‌کرد که مبارزه فرهنگی را در رأس امور قرار دهد. برخی از اقدامات او را در پی می‌آوریم.

الف) حمایت از عالمان اهل سنت

صلاح‌الدین بهترین راه رسیدن به اهداف مذهبی و سیاسی خود را حمایت از عالمان اهل سنت تشخیص داد؛ در نتیجه اطاعت محض از فقیهان اهل سنت را پیشه خود ساخت. حتی این شیوه و رویکرد او موجب شد که علمای زیادی از سراسر جهان اسلام به حضور او برسند (ابن خلکان، ۱۹۷۷: ۲۰۷). برای اطاعت او از علما در تاریخ نمونه‌های زیادی وجود دارد؛ برای نمونه اصرار بر اعدام شیخ اشراق که به تحریک فقیهان آن زمان صورت گرفت (شهرزوری، ۱۳۱۶: ۱۲۶). اینکه وی در آن زمان قهرمان جنگی و از فاتحان بیت‌المقدس به حساب می‌آمد، بر محبوبیت او بین مردم و علما افزوده بود.

اعزام عالمان سنی مذهب به مناطق شیعی از اقدامات صلاح‌الدین ایوبی برای رودررویی با شیعیان بود. آنان به شهرها و مراکز شیعه‌نشین می‌رفتند تا علیه معتقدات شیعیان تبلیغ کنند، در حالی که عالمان شیعی توان مقابله و ابراز وجود نداشتند؛ برای نمونه می‌توان به حضور قاضی بهاء‌الدین در شهر اسنا اشاره کرد، که از شهرهای شیعه‌نشین و کانونی منسجم برای شیعیان بود (ناصری، ۱۳۹۰: ۹۹).

صلاح‌الدین در رونق مدارس علمی و آموزشگاه‌های دینی اهل سنت نیز بسیار کوشید و در تأسیس مدارس علمیه تلاش فراوانی کرد،^۳ تا جایی که گفته شده باید عصر او را عصر شکوفایی مدارس علمیه (سنی) دانست (حمزه، بی‌تا: ۴۵). بر اساس گزارش‌های مختلف، تأسیس مدرسه دار الغزل برای مذهب مالکی (همان: ۳۵)، تبدیل زندان شحنه در قاهره به مدرسه‌ای برای شافعیان (همان)، تخریب دار المعونه و تبدیل آن به مدرسه شافعی، تأسیس مدرسه ناصریه در قاهره برای شافعیان، تأسیس مدرسه

قمحیه برای حنفیان و تأسیس مدرسه فاضلیه در مصر برای شافعیان و مدرسه صلاحیه تاج المدارس (ناصری، ۱۳۹۰: ۹۹) از اقدامات او برای تقویت مذهب اهل سنت بود.

ب) مبارزه با نمادها و نهادهای فرهنگی و شعائر شیعی

صلاح‌الدین دستور داد کتابخانه بزرگ فاطمیان را آتش بزنند. مهم‌تر از آن، فرمان تعطیلی شعائر شیعی را صادر کرد. او روز عاشورا را روز سرور و شادی اعلام کرد و مانع عزاداری شیعیان در روز عاشورا شد (کاظم‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۵). او همچنین دستور داد که نام خلفای راشدین، که نماد اهل سنت‌اند، در هر خطبه برده شود (همان: ۱۴۵). پیش‌تر گفتیم که او با قرار دادن قاضیان شافعی مذهب به جای قضات شیعی تلاش کرد فقه شیعی را محو و فقه شافعی را در جامعه پیاده کند تا مردم با این نوع از احکام خو بگیرند.

صلاح‌الدین در سخت‌گیری بر شیعیان تا جایی پیش رفت که دستور داد شهادت کسی قبول می‌شود که به یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت معتقد باشد و کسی حق سخنرانی یا تدریس دارد که پیرو آن مذاهب باشد. او حتی کتابخانه‌های بزرگی که فاطمیان تأسیس کرده بودند و کتاب‌های نفیسی در فنون مختلف در آنها گردآوری شده بود را از بین برد.

پیامدهای رفتار سخت و خشن ایوبیان با شیعیان

رفتارهای قساوت‌بار و فجیع ایوبیان با شیعیان و سخت‌گیری و کشتارهای بی‌رحمانه شیعیان این سؤال را به ذهن می‌آورد که سرنوشت نهایی شیعیان در این منطقه به کجا کشیده شد. آیا شیعیان همان‌گونه که مخالفانشان می‌خواستند، کاملاً از بین رفتند؟ این رفتارها چه پیامدهایی داشتند؟

اقدامات و سیاست‌های صلاح‌الدین و ایوبیان در تعامل با شیعیان — که انتقام از فاطمیان را به همه شیعیان تعمیم دادند و در این مسیر راه افراط را طی کردند — سبب شد که شیعیان به سیاست پنهان‌کاری و تقیه روی آوردند و گاه در دیگر فرق و صوفیان هضم شدند، در مواردی نیز به‌اجبار به مناطق دیگری که امنیت بیشتری داشت رفتند تا بتوانند بر مذهب خود باقی بمانند و به حیات خویش ادامه دهند؛ مناطقی مثل جنوب

مصر، مناطقی از شام، یمن و حتی ایران و هند (وردانی، ۱۳۸۲: ۷۶). سیر تاریخی و وضعیت امروز مصر نیز تأیید می‌کند که نسل‌های بعدی مصریان هیچ شناختی از مذهب پدران خود نداشتند و رفته‌رفته به یکی از مذاهب اربعه اهل سنت گرایش یافتند؛ هرچند محبت اهل بیت (ع) در جایگاه فرزندان پیامبر (ص)، در میان مصریان باقی ماند. با گذشت زمان، مذاهب اربعه اهل سنت در سرزمین مصر سیطره کامل یافتند و به‌گونه‌ای حمایت و تبلیغ می‌شدند که گویا در اسلام مذهب دیگری وجود ندارد؛ از این رو شیعیانی که در مصر ماندند و راه تقیه را در پیش گرفتند، در اثر گذشت زمان و خفقانی که بر آنان حاکم بود، از تمام ابزار و وسایلی که می‌توانست آنان را در حفظ و انتقال عقایدشان به نسل‌های بعد یاری کند، محروم شدند. این وضع بر گروه‌های شیعی که به تصوف پیوسته بودند و حتی کسانی که به جنوب مصر پناه برده بودند، حاکم بود و فقط کسانی که به شام و سایر مناطق اسلامی پناه برده بودند، موفق شدند اعتقاداتشان را حفظ و آشکار سازند.

البته تشیع در مصر و شام، به رغم مخالفان از میان نرفت، بلکه توانست با ایجاد تشکیلات مخفیانه و سازماندهی مناسب، مشکلات بزرگی را برای صلاح‌الدین به وجود بیاورند. قیام عماره یمنی را می‌توان یکی از نمونه‌های برجسته این موضوع دانست که تا آخرین روزها مخفی ماند و صلاح‌الدین از او بی‌اطلاع بود تا اینکه سرانجام با خیانت یکی از انقلابیان لو رفت.

نتیجه‌گیری

ایوبیان، و در رأس آنان صلاح‌الدین، به دلایل سیاسی و مذهبی برای ریشه‌کن کردن تشیع در مصر تلاش‌های بسیاری کردند، خاصه اینکه چون حکومت فاطمی شیعه بود و صلاح‌الدین حکومت را از آنان گرفته بود، شیعیان را رقیب خود فرض می‌کرد و احتمال بسیار می‌داد که بر ضدش قیام کنند؛ از این رو به مبارزه با شیعیان برخاست. صلاح‌الدین که یک شافعی تمام عیار بود، تحمل اقلیت‌هایی مثل شیعه را نداشت و مبارزه با این اقلیت را به نوعی جزو وظایف دینی خود می‌دانست. او از کسانی بود که به موازات اصلاحات ساختاری، برای زدودن تفکر و آثار شیعی تلاش بسیار کرد و تا حدودی نیز به نتایج دلخواهش رسید.

صلاح‌الدین علمای شیعه را به انزوا کشاند و مدارسشان را تخریب یا تبدیل به مدارس علمیه سنی کرد. صلاح‌الدین و ایوبیان انتقام از فاطمیان را به همه شیعیان تعمیم دادند و در این مسیر راه افراط را طی کردند که سبب شد شیعیان مخفی‌کاری و تقیه را در پیش بگیرند، در دیگر گروه‌های مذهبی، نظیر صوفیان، هضم شوند یا به مناطقی چون جنوب مصر، شام، یمن، ایران و هند هجرت کنند. مصریان آن دوره و نسل‌های بعدشان، رفته‌رفته به یکی از مذاهب اربعه اهل سنت گرایش یافتند؛ هرچند محبت اهل بیت (ع) در میانشان باقی ماند. مذاهب اربعه اهل سنت در سرزمین مصر سیطره کامل یافتند و به‌گونه‌ای حمایت و تبلیغ می‌شدند که گویا در اسلام مذهب دیگری وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. جنگ‌های صلیبی به جنگ‌هایی گفته می‌شود که مسیحیان علیه مسلمانان به راه انداختند. این جنگ‌ها از سال ۱۰۹۶م شروع شدند و در چندین مرحله تا دو قرن ادامه یافتند. مورخان به صورت مفصل درباره این دوره تاریخی بحث کرده‌اند. یکی از مفصل‌ترین منابع در این بحث کتاب *الکامل* ابن‌اثیر است که تقریباً از نیمه جلد ۲۲ تا نیمه جلد ۲۴ این کتاب مطالب مربوط به جنگ‌های صلیبی و صلاح‌الدین آمده است. در خلال این جنگ‌ها، صلاح‌الدین مردان توانایی را بر شهرهای مختلف گماشت و استحکامات شهرها را تقویت کرد تا فرنگیان نتوانند به آنها دست یابند. وی از سوی دیگر، به شهرهایی که در شام به دست فرنگیان افتاده بود، حمله می‌برد و پس از فتح آنجا فرنگیان را اسیر می‌کرد یا از آن نقاط می‌راند. او در مدتی کمتر از پنج سال شهرهای بسیاری را تصرف کرد؛ مهم‌ترین فتح او فتح بیت‌المقدس بود.

۲. مؤتمن الخلافه پی برده بود که در صورت ادامه این وضع، خلافت فاطمی منقرض خواهد شد.

۳. صلاح‌الدین در محرم ۵۶۵ سپتامبر / ۱۱۷۰ دستور داد «دارالمعونه» را که زندان شحنه قاهره بود ویران کنند و در محل آن مدرسه شافعیه را ساخت. «دارالغزل» در کنار جامع عتیق و معروف به مدرسه «قمحیه» را برای مالکیها و «دارالسعداء» را در شمال قصر فاطمی خانقاهی برای صوفیان کرد که نخستین خانقاه مصر به شمار می‌آید. او مجالس دعوت اسماعیلی در قصر و جامع الازهر را ملغاً کرد (ابن‌اثیر، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۳۶۲، مقریزی، ۱۳۷۷: ۲۸۲، ۱۳۸۰: ۳۲۰).

منابع

ابن‌اثیر، ابوالحسن علی بن‌ابی‌الکرم الشیبانی (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق مکتب التراث، چاپ چهارم، بیروت: المؤسسة التاریخ العربی.

ابن جوزی، شمس‌الدین (۱۳۹۸ق)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، دهلی: دائرة المعارف الاسلامیه.

- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۷م)، *وفیات الاعیان*، تحقیق دکتر احسان عباسی، بیروت: دارالفکر.
- ابن شداد، بهاء الدین (۱۹۹۴م)، *النوادر السلطانية، تحقیق جمال الدین*، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل (۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م)، *البدایة و النهایة*، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم (۱۳۸۲ش)، *مفرج الکروب فی أخبار بنی ایوب* (تاریخ ایوبیان)، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رحیم زاده، مهدی (۱۳۳۴ش)، *جنگ های صلیبی*، تهران.
- رمضان، عبدالعظیم (زیر نظر) (۱۹۹۳م)، *تاریخ مصر الاسلامیه*، نویسندگان: سید اسماعیل کاشف، جمال الدین سرور، سعید عبدالفتاح عاشور، مصر: الهیئه المصریه لاعامه للکتاب.
- الشماعی الرفاعی، قاسم (۱۴۰۴ق)، *بعلبک فی التاریخ*، بیروت.
- شهرزوری، شمس الدین محمد بن محمود (۱۳۱۶)، *نزهة الأرواح و روضة الافراح فی تاریخ الحكماء و الفلاسفة*، ترجمه ضیاء الدین درّی، تهران، چاپخانه دانش.
- طقوش، محمدسهیل (۱۳۸۰ش)، *دولت ایوبیان*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، چاپ اول قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبداللطیف، حمزه (بی تا)، *الحركة الفكرية فی مصر العصرین ایوبی و المملوکی*، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامه.
- عبده، قاسم (۱۴۱۰ق)، *ماهية الحروب الصليبية*، کویت: المجلس الوطنی.
- فلیپ (۱۹۵۹م)، *تاریخ عرب*، ترجمه محمد سعیدی، تهران.
- کاظم پور، داوود (۱۳۸۷ش)، «وضعیت شیعیان مصر در عصر صلاح الدین ایوبی»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، تابستان، شماره ۱۸، صفحه ۱۳۷-۱۵۸.
- معرری سامی (۱۸۸۱م)، *قاموس الاعلام*، استانبول.
- مقریزی، ابوالعباس تقی الدین احمد بن علی (۱۳۷۷ق/۱۹۹۸م)، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروفة بالخطط المقریزیه*، تحقیق محمد زینهم، مدیحه الشراوی، قاهره: مکتبه مدبولی.
- مقریزی، ابوالعباس تقی الدین احمد بن علی (۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م/۱۳۸۰ش)، *اتعاظ الحنفی باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۹۰ش)، *فاطمیان در مصر*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وردانی، صالح (۱۳۸۲ش)، *شیعه در مصر، از آغاز تا عصر امام خمینی*، ترجمه عبدالحسین بینش، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.